

تبیین الگوهای مطرح در معماری معاصر ایران بعد از انقلاب؛ از منظر تعامل، اصالت و نوآوری با تاکید بر جغرافیای ایران^۱

مهدی نیکنام

دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل، واحد جلفا، گروه هنر و معماری، جلفا، ایران.

قربان محبوبی^۲

عضو هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

حسن ابراهیمی اصل

عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد بین‌المللی جلفا، دانشگاه آزاد اسلامی، جلفا، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

چکیده

هدف از این تحقیق، تبیین الگوهای مطرح در معماری معاصر ایران بعد از انقلاب از منظر تعامل اصالت و نوآوری می‌باشد. همانگونه که مکاشفه معماری هر کشوری در یک سلسله تاریخی موجب ارتقاء و پیشرفت سطح معماری کشور می‌شود، از طرف دیگر می‌تواند موجب ارتقاء از جنبه‌های پنهان معماری در زمینه اصالت و نوآوری و تعامل تاریخی با معماری بومی و گذشته خود باشد. با پیروی از این موضوع که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شروع و حرکت معماری از نظر تغییر رویه قبلی به نگرشی نوین استارت می‌خورد، لذا ارزیابی میزان نوآوری و تعامل با معماری گذشته خود از جنبه‌های پیروی از مضامین اصالت، ضمن تغییر رویه قبلی به روند معماری معاصر بعد انقلاب از موازین اساسی و اهداف اصلی جهت‌گیری مقاله می‌باشد. همچنین طرح سوال تحقیق بدین صورت است که؛ چه عواملی نشان‌دهنده‌ی معماری با زمینه هویت و اصالت به عنوان یک شاخصه در آثار معماران بعد از انقلاب می‌باشند؟ روش تحقیق در این پژوهش به صورت فرا تحلیلی و قیاسی- استدلالی می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی است با رشد هویت طلبی گذشته در معماری معاصر بحث تعامل و اصالت در قالب انسان و ابعاد فرهنگی او در معماری بعد از انقلاب بیشتر ظهور و نمود می‌کند و غرب‌گرایی به عنوان یک فرهنگ بیگانه سرکوب شده است و اکثر آثار مطرح دارای یک ذهنیت فرهنگی بومی و برجستگی هویتی - ملی می‌باشند.

کلمات کلیدی: معماری بعد انقلاب، اصالت، نوآوری، کیفیت معماری، معماری معاصر.

۲- این رساله مستخرج از رساله دکتری مهدی نیکنام با عنوان "تبیین سرآمدی در معماری معاصر ایران بعد از انقلاب از منظر تعامل اصالت و نوآوری" به راهنمایی دکتر قربان محبوبی و مشاوره دکتر حسن ابراهیمی اصل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل جلفا می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) Architamah@yahoo.com

مقدمه

معماری معاصر ایران بعد از یک تحول سیاسی و برکناری حکومت استبدادی و نتیجه آن تشکیل دولت مردمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاکله خود را تشکیل می‌دهد. این معماری از بعد تغییر نگرش و حرکت در تحول خود را می‌بیند و به دنبال یک نموده‌های عینی جدید می‌باشد. نتیجه این تحول در دست معماران این دوره و تاثیر آن در آثار خاص ظهور پیدا می‌کند. این معماری به عنوان رویداد تحولی در پیشرفت معماری ایران بعد از انقلاب و همچنین به عنوان الگوی بروز هویتی معماری بیانگر نوعی دغدغه اصالت و جودی و پیمایش نقیصه‌ها و محاسن این معماری می‌باشد. با توجه به تحول حکومت پیشین در قالب یک مدنیت دینی به نام جمهوری اسلامی و بر روی کار آمدن دولتی مردمی با اصلاح اندیشه‌های غربی مابانه پهلوی و همچنین خواستار دولت از خارج شدن از سیاست‌های گذشته، انتظار یک نگرش نوین هویتی وجود داشت. این تحول پیامدهای متفاوتی داشت، زیرا که برخاسته از وجوه مختلف گذشته معماری ایرانی در دوره پهلوی از یک وجه و از وجه دیگر نگرش‌های هویتی دیرینه معماری ایرانی با زمینه‌های فرهنگی و کالبدی، و از طرفی تناقض و تشابهی بین هر دو وجه اول و دوم و یا ترکیبی از آنها را دنبال می‌کرد. این وضعیت از هم گسیخته قبلی هنوز پیامدهای خود را بصورت محدود در دوره معاصر داشت و از سویی با روی کار آمدن شعارهای هویت‌طلبی معماری بعد از پیروزی انقلاب با معماران فرهیخته ایرانی فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های خارجی نگرش‌های نوین در قالب اصالت بیشتر مطرح شده و جامعیت عمل به خود گرفتند و همچنین در مسابقات معماری توجه خاص‌تری از نظر داوران و متخصصین حوزه هنر و معماری به آنها می‌شد. لذا آنچه به عنوان دغدغه تحقیق مدنظر است؛ پدیداری عوامل نشان‌دهنده هویت و اصالت بناهای موثر، مهم و کارکردی در آثار معماری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

به دنبال حرکت معماری بعد از انقلاب جامعه ایرانی شاهد معماری رشد یافته و نوینی در بعد زمانی چند ساله بوده است. این رشد در جامعه جهانی و دهه‌های اخیر کاملاً خودنمایی می‌کند و در این راستا به گفته‌ی معمار معاصر "ژان نوول": "هر موقعیت جدید، مستلزم یک معماری جدید است." پس می‌بایست به دنبال جواب‌های نو برای سؤالات قدیمی بود. معماری معاصر در پی برطرف کردن نقص‌های معماری گذشته بوده و مهم‌ترین نقدهایی که در زمینه تاریخ معماری معاصر نگاشته شده اند آن است که مفاهیم معماری معاصر در قالب عبارت‌ها و اطلاعات تاریخی ارائه شده‌اند. عملاً این اطلاعات به قدری گزینشی و شخصی و ناپایدارند که پس از مطالعه چیزی از آن در ذهن مخاطبان باقی نمانده است (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۹۵).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، (با توجه به پیشینه معماری ایرانی در دو دوره پهلوی اول و دوم که بیشتر معماری منبع از معماری غرب و تفکرات غربی بود) مطرح شدن دو موضوع توجه بسیاری از معماران را به خود برانگیخت. یکی اینکه اصولاً پس از پیروزی انقلاب معماران ایران سعی کردند معماری ایران را به سوی یک معماری با اصالت مستقل و متکی بر تعامل با معماری گذشته هدایت کنند و دیگر اینکه مبانی نظری معماری فرامردن نیز توجه جلدی به معماری گذشته سرزمین‌ها را مطرح می‌کرد این دو موضوع دست به دست هم دادند که

توجه به عناصر معماری گذشته ایران (به خصوص معماری بعد از اسلام) در آثار جدید معماری پر رنگ‌تر باشد و از این حیث نگاه متخصصان حوزه معماری در جهت دستیابی به کیفیت ایده‌آل در طرح‌ها به خود متوجه کرد. لذا این سوال پیش می‌آید که چگونه و با توجه به چه فاکتورهایی در معماری معاصر زمینه‌های نوآوری و توجه به اصالت فراهم شده است؟ و دیگر اینکه معماری معاصر به چه میزان زمینه‌های تعامل با گذشته خود را حفظ نموده و دلالت‌های ساختاری آنها در قالب نو اندیشی‌های مدرن با تفکر اصالت چگونه بوده است؟ لذا با توجه به موارد مطروحه آنچه به عنوان هدف پژوهش مد نظر است؛ ارزیابی معماری بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تحلیل کیفی آن از نظر تاثیر در روند و ارتقای کیفیت معماری معاصر می‌باشد.

نتیجه این پژوهش در قالب پیش فرض می‌تواند بیانگر توجه مطلوب متخصصین حوزه معماری در تغییر و نگرش دیدگاه‌های قبلی (قبل از انقلاب) و سوق به سمت پیشینه غنی معماری ایرانی اسلامی (در وادی معماری مدرن و فرامدرن) و تلاش جدی در بازاندیشی هویتی در طرح‌ها در ارتقای کیفیت معماری معاصر دارد.

از آنجایی که معماری معاصر به عنوان الگوی کارکردی از نظر هویتی در دنیای مدرنیته می‌باشد و به پیوست تغییر تحول طرح‌های معماری در بعد از انقلاب اسلامی می‌تواند واکاوی موضوع و ارزیابی آن را به عنوان یک متد علمی از نظر تعیین سطح کیفی و کاربردی آن مدنظر قرار داده و به عنوان نگرشی مثبت در سیر اندیشه‌های معماری ضرورت یابد.

این پژوهش از لحاظ روش در دو بخش توصیفی - تحلیلی و قیاسی - استدلالی تنظیم شده است. در روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای اسناد و منابع مستند علمی و سایت‌های معتبر و سخن و نقدهای صورت گرفته، انجام گرفته است. در این زمینه از نظر نوع گرایش‌های کیفی و همچنین بررسی موضوعی طرح‌های دهه‌های اخیر و با کمک از منابع کتابخانه‌ای و اسناد قابل رویت مورد بررسی قرار گرفته است.

در روش قیاسی - استدلالی؛ موضوع رویکردهای هویت‌طلبی در برخورد با بناهای فرهنگی معاصر در معماری ایرانی مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرند و پس از بررسی آنها نتایجی در چارچوب وجوه مهم فرهنگی از نظر تحول ارائه می‌گردد.

رویکرد نظری

از جمله نظریات مطرح در زمینه معماری معاصر و بعد اصالت و نوآوری می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: در ارتباط با معماری معاصر و بعد اصالت؛ سیحون (۱۳۴۹) نفی سنت‌های گذشته را جبران زمان تلقی می‌نماید و بر سنت‌های جاری و آتی تأکید می‌نماید. چیزی که متکی بر فناوری جدید است. آنچه از معماری ملی در اندیشه او می‌توان سراغ گرفت بیشتر جنبه اقلیمی دارد (هاشمی، ۱۳۷۰). تنزل فرهنگی در معماری را بگونه‌ای تنزل از معماری روشمند و آیینی به معماری رویدادی تلقی می‌کرد. هاشمی در نقد و تمایل حرکت رویدادی به این نتیجه می‌رسد که، ما دچار از هم گسیختگی شدید زندگی هستیم که در اثر خود باختگی یکصد ساله در مقابل تمدن غرب در ما ظهور کرده است، وی راه‌حل را در تأسیس تمدنی در خدمت دین می‌داند.

عدم شناخت قوی تاریخ معماری ایران در کنار ماهیت ضد تاریخی معماری مدرن که مرجع الهام مستقیم طراحان ایرانی در بخش عمده‌ای از تاریخ معماری معاصر بوده است، ضعف درونی نهادهای دولتی مسئول کنترل و هدایت فعالیت خرد و کلان بر حرفه معماری و همچنین فرهنگ جامعه همگی موجب شدند که معماری معاصر ایران در گستره عمومی خود تبدیل به مجموعه‌ای پیچیده و متناقص گردد که یافتن هرگونه تداوم منطقی؛ زمانی، سبک‌شناسی یا نظری در آن بسیار دشوار است (افشار نادری، ۱۳۸۶: ۱). اگر معماری معاصر در سطحی واقع‌گرایانه‌تر بررسی شود، می‌توان با ابزار مطالعات صرفاً کالبدی به مطالعه و بررسی آن پرداخت. سعی معماران مدرن در اکثر جهات احیاء فرهنگ، ارزش و هویت اسلامی- ایرانی از طریق ساخت عین به عین معماری تاریخی می‌باشد. در این روش ساختار فضایی و شکل و فرم بنا کاملاً مشابه معماری تاریخی می‌باشد. و در برخی گرایش‌های مطرح، معمار به دنبال کشف اصول مشترک بین معماری تاریخی و مدرن بوده که این کلیت فرم با رعایت سادگی، منطقی و خلوص فرم که هم ملاک عمل معماران مدرن و هم معماران تاریخی ایران می‌باشد محقق گردیده است (حسینی، ۱۳۸۸). تعداد زیادی از بناهایی که با سبک پست مدرن در معماری معاصر ایران ساخته شده‌اند به تقلید از سبک پست مدرن غربی هستند. از مشخصه‌های آنان می‌توان به استفاده از رنگ، رابطه حجم درون حجم، چرخش احجام، استفاده از تقارن ناهمسان، چرخش در پوسته بیرونی، استفاده از ترکیبات و اشکال معماری پست مدرن اروپایی با استفاده از مصالح تاریخی نظیر آجر اشاره کرد (همان).

تغابنی (۱۳۸۷) گرایش عوام‌پسند را زمینه شکل‌گیری معماری معاصر می‌داند و هدف آن را جلب رضایت مصرف‌کننده و مردم می‌داند. مهمترین خصوصیت این گرایش‌ها بازارمحوری آن می‌باشد. این نوع معماری بدون هیچ‌گونه خلاقیتی به چینش فرم‌ها و الگوهای از سبک‌های مرده و زنده دوران قبل و خصوصاً آنهایی که حس نوستالژیک مصرف‌کننده را بر می‌انگیزند، می‌باشد.

معماری معاصر به فراخور شرایط زمانی، مکانی و جریانات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تأثیرات گوناگونی را به خود دیده که هرکدام بازتاب شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران خود بوده‌اند. در عین حال نمی‌توان تغییرات ساختاری فراوان و متمایز این دوران را بر معماری ایران نادیده گرفت (Mahmmodinejad & Pourjafar, 2006: 24). معماری معاصر ایران از موضوعاتی است که کمتر به صورت دقیق و با استفاده از تحلیل آثار و جریانات فکری دوران معاصر مورد بررسی قرار گرفته است و جایگاه خالی آن در دانش معماری ایران به خوبی قابل مشاهده است. (Mahdavinejad, 2006: 12)

در مورد کیفیت در معماری معاصر می‌توان گفت: کیفیت به عنوان یک اصل پایه‌ای در جهش معماری از دوره‌ای به دوره دیگر و از نسلی به نسل دیگر در همه کشورها حائز اهمیت است. مفهوم کیفیت در برنامه‌های بالادستی از اهمیت به سزایی برخوردار است. در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ و به خصوص برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ که هم اکنون در دست اجراست، نیز به این موضوع اشاره شده است. از این رو می‌توان این چنین نتیجه‌گیری

کرد که اهمیت و ضرورت موضوع در شرایط معاصر بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود (Pourjafar et al, 2012: 20). مساله مهم دیگر، هویت‌طلبی واکنشی داخلی در معماری معاصر ایران است. در غالب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، خاص‌نگری‌های فرهنگی واکنشی بود که در مقابل نفوذ فرهنگ جهانی متجلی گردید. توجه به هویت و اصالت در معماری که مدتهاست سبب تولید نظریات و گرایشات مختلفی از جمله منطقه‌گرایی و بوم‌گرایی گردیده، همواره دغدغه عده‌ای از نظریه‌پردازان و طراحان ایران بوده است. این نوع استفاده از منابع و فرهنگ ایرانی تلاش و جستجوی تدریجی اما مداوم بوده است که با تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی، مورد تجربه و آزمایش درآمده است. در این دوره مقوله فرهنگ بولد شد، و به نقل از "گل محمدی" در این برهه با توجه به محتوای فرهنگی ایران، حفظ فرهنگ و هویت ملی و بومی از ضروریات به شمار می‌آید (گل محمدی، ۱۳۸۱). از روش‌های الحاقی و نمادین در سطح و حجم معماری تا روش‌های تجربی در ایجاد فضای آشنایی معماری از یک سو و استفاده از تکنیک‌های بیان مستقیم تا تجرید و تداعی غیرمستقیم جملگی در این مسیر مورد استفاده قرار گرفتند. ضمن آنکه همه تاریخ معماری ایران از کهن‌ترین دوران تا دوران اخیر منبع تغذیه آن بوده است. در حوزه کیفیت معماری در دوران معاصر بازگشت به خویشتن، احیای ارزش‌های پایدار سنت، مفاهیم ازلی و ابدی معماری مستتر در تاریخ، ساختار و محتوا از نگاه طراحان، معطوف به اهمیت دادن به کنکاش‌های نظری در آموزش، پیوند آموزش معماری با فرهنگ خودی و بررسی‌های تاریخی معماری دوره‌های پیش از مدرنیسم از منظری، ملی و منطقه‌ای کرد.

در مورد فرهنگ از بعد انسان‌شناسی نیز می‌توان گفت: انسان‌شناسی فرهنگی علم شناخت الگوهای فرهنگی مسلط بر زندگی بشر در گذشته و امروز است. "راپاپورت" سعی می‌کند تا با استفاده از مفاهیمی که در انسان‌شناسی فرهنگی مطرح می‌باشد، فرهنگ را به زیر مجموعه‌های ملموس در روند طراحی‌های معماری تقسیم نماید و بین این مفاهیم و مفاهیم مرتبط با معماری رابطه‌ای برقرار نماید و ماحصل و نتیجه او همانگونه که خودش نیز به کرات بیان می‌دارد، به دست آوردن تئوری محوری برای فهم رابطه میان فرهنگ و معماری است (قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۴). لذا به استناد به مبانی تحقیق شاخص‌های اصالت و نوآوری از عوامل مهم معماری معاصر محسوب می‌شوند که با کالبد معماری معنا پیدا می‌کنند. معانی کالبدی در محیط متفاوت بوده و با توجه به الگوهای فرهنگی شکل می‌گیرد. مردم در مجموعه‌های کالبدی متفاوت رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده بروز می‌دهند. آنان بر اساس قرائت شان از محیط عمل می‌کنند، باید این زبان را فهمید و آن را مبنایی برای ایجاد اشکال در محیط شهری قرار داد (هاتفی و فرح‌نیا، ۱۳۹۳). بنابراین بستر فرهنگی محیط و زمینه و ذهنیت فرهنگی انسان به عنوان یکی از مهمترین ابعاد زمینه‌گرایی مناسب در هویت بخشی به الگوهای معماری است که بعد از انقلاب برخی از معماران در این زمینه فعالیت‌هایی انجام دادند.

معماری معاصر ایران و بررسی تاثیرپذیری ارکان مختلف معماری معاصر از آداب، سنت‌ها، مذهب و فرهنگ اقوام و مناطق مختلف، از زوایای مختلف، حائز اهمیت است. دستیابی به نقاط ضعف و قوت، ارائه راهکارها با الگوگیری

از نقاط قوت طراحی‌ها در مناطق موفق به مناطق ناموفق و گسترش نفوذ شاخص‌های فرهنگی و قومی در طراحی‌ها با نگاه ویژه به مصرف بهینه انرژی و جایگزینی سوخت‌های پاک و کمک به عدم هدررفت انرژی، مهمترین دستاوردهای تحقیق در این زمینه می‌باشند. تحقیقات مختلفی نیز در این راستا صورت گرفته است. بعنوان مثال، نیک فطرت کردمحلّه در مقاله‌ای با عنوان روایت مکان در آثار معماران معاصر از منظر ادبیات تطبیقی فلسفه و معماری با رویکرد پدیدارشناسی (نمونه موردی: موزه هنرهای معاصر تهران)، به بررسی مؤلفه‌های تجربه زیستی مکان‌های خلق‌شده در رابطه با مواجهه شخصی و ادراکی کاربران به منظور بازتعریف مفهوم مکان در تجربه معماری موزه هنرهای معاصر تهران پرداخته است. این پژوهش با تکیه بر روش پژوهش کیفی و تحلیلی و تفسیری با زمینه پدیدارشناسی از دیدگاه فلاسفه و معماران و همچنین کاربست روش کدگذاری آزاد، محوری و گزینشی انتخاب‌شده و از مصاحبه عمیق جهت استنباط و استخراج نتایج حاصل ادراک پیشاتاملی، از بطن پاسخ مصاحبه‌شوندگان استفاده‌شده است (نیک فطرت کردمحلّه و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین عظیمی حسن آبادی و همکاران در پژوهشی با عنوان تبیین راهبردهای جدید رسانه‌ای در معرفی معماری بومی مناطق جغرافیایی-اقليمی ایران بر اساس مدل تحلیل محتوای نشریات تخصصی، درصدد مشخص نمودن میزان مقالات در مورد معماری معاصر و منطقه‌ای در مجلات معتبر کشور می‌باشند که به این نتیجه می‌رسند: سه مجله‌ی معمار، معماری و ساختمان و هنر معماری از سال ۱۳۷۷ مجموعاً ۴۹۶۵ مقاله منتشر نموده‌اند که ۳۲۰ مقاله به موضوع معماری بومی اختصاص داشته است که منتج به رقم ۶،۴۴ درصد از کل مطالب می‌گردد. بدین ترتیب نسبت به موضوعات معرفی پروژه در ایران (مجموعاً ۱۹/۳۹ درصد از کل مقالات)، تاریخ و مبانی نظری (مجموعاً ۱۹/۲۳ درصد از کل مقالات)، اخبار رویدادهای معماری (مجموعاً ۱۲/۹۳ درصد از کل مقالات) و معرفی پروژه در غرب (مجموعاً ۱۰/۸۱ درصد از کل مقالات) معماری بومی در مقام پنجم پرتعدادترین مقالات منتشر شده توسط رسانه‌ها می‌باشد (عظیمی حسن آبادی و همکاران، ۱۳۹۹). رسولی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان تأثیر سبک‌ها، پارادایم‌های حاکم بر جامعه بر شکل‌گیری فرم در معماری (دوره معاصر ایران)، تأثیر سبک‌ها، پارادایم‌های حاکم بر جامعه بر شکل‌گیری فرم در معماری را بررسی نموده و مدل ارتباطی بین فرم و سبک و پارادایم در معماری معاصر را ارائه نموده‌اند. این پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند: علی‌رغم اینکه دوران معاصر به دلیل تحولات متعاقب آن با چندگانگی و تعدد مفاهیم در بحث‌های نظری مواجه بوده است لیکن بحث فرم نیز مانند سایر بحث‌های نظری معماری، قاعده مند بوده و می‌توان الگوهایی را در این زمینه، به منظور کاربردی کردن مباحث نظری پارادایم‌ها در حوزه معماری مطرح کرد. در این زمینه، به منظور کاربردی کردن مباحث نظری پارادایم‌ها در حوزه معماری مطرح کرد (رسولی و همکاران، ۱۴۰۰). توپچی ثانی و همکاران نیز در مقاله‌ای با عنوان: به سوی برنامه‌ریزی در عصر جدید؛ مطالعه تطبیقی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با آینده پژوهی، معتقدند تغییر نگرش در فرایند و تحول در ابزارهای برنامه‌ریزی، با استفاده از رویکردهای نوین امری ضروری است. بدین منظور در تحقیق‌شان، به تطبیق و برهم نهاد پارادایم‌های برنامه‌ریزی شهری رایج و آینده پژوهی پرداخته و چگونگی گذار از رویکردهای «اکتشافی» به «هنجاری» و از «آینده‌های قطعی» به

«چندگانگی و آینده‌های بدیل» را تبیین نموده اند. همچنین پیشنهاد نموده اند که بایستی طرح های توسعه شهری، از مفاهیم پیش‌بینی و کشف آینده عبور کرده و به حوزه آینده‌پژوهی و آینده نگاری که رسالتش، نگاشت و معماری آینده است، دست یازند (توپچی ثانی و همکاران، ۱۳۹۸).

منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه این تحقیق، کشور ایران است که در واقع الگوهای مطرح در معماری معاصر کشور از منظر تعامل اصالت و نوآوری بخصوص دوران بعد از انقلاب اسلامی، بررسی و تحلیل می شود. همسایگان ایران ارمنستان و آذربایجان در شمال غربی، ترکمنستان در شمال شرقی، عراق و ترکیه در غرب، افغانستان و پاکستان در شرق می‌باشند. ایران بعد از عربستان سعودی دومین کشور بزرگ در خاورمیانه است. این کشور مساحتی برابر با ۱،۶۴۸،۰۰۰ کیلومترمربع دارد. ایران کشوری تقریباً مثلثی شکل است که طولانی‌ترین ضلع آن از مرز ترکیه در شمال غربی تا مرز پاکستان در جنوب شرقی کشیده شده است و ۲،۵۰۰ کیلومتر طول دارد. بیش از نیمی از مرز بین‌المللی ایران به طول ۴،۴۳۰ کیلومتر ساحلی است و شامل ۷۴۰ کیلومتر مرز در حاشیه دریای خزر در شمال و ۱،۷۰۰ کیلومتر مرز در خلیج فارس و دریای عمان در جنوب می‌باشد. بندرعباس بزرگ‌ترین بندر ایران در جنوب کشور است که در تنگه هرمز واقع شده است. تنگه هرمز راه عبور باریکی است که خلیج فارس و دریای عمان را از هم جدا می‌کند و هر روز ده‌ها تانکر نفتی از آن به مقصدهای گوناگون در نقاط مختلف جهان عبور می‌کند.

ایران به عنوان یکی از کشورهای پرکوه جهان دو رشته کوه اصلی دارد. البرز که بلندترین قله را در آسیا دارد (قله دماوند با ارتفاع ۵۶۷۱ متر بالاتر از سطح دریا) و در غرب رشته کوه‌های هیمالیا قرار گرفته است و زاگرس که با بیش از ۱،۶۰۰ کیلومتر طول از شمال غربی تا جنوب شرقی کشور کشیده شده است. این دو رشته کوه بیش از ۲،۳۰۰ متر ارتفاع دارند و مقدار قابل توجهی رطوبت را که از دریای خزر به جنوب یا از دریای مدیترانه به شرق می‌رود از محیط می‌گیرند. رشته کوه‌های محلی دیگری نیز در ایران وجود دارد که در حاشیه‌های آن‌ها آبگیرهایی وجود دارد که به عنوان فلات مرکزی شناخته می‌شوند. این آبگیرها عبارتند از دشت کویر، صحرائی بسیار بزرگ و پوشیده از نمک در شمال مرکزی ایران و کویر لوت، صحرائی پوشیده از ماسه و سنگریزه در جنوب شرقی کشور. واحه‌های آبخیزی در این مناطق وجود دارد که نمونه‌های واقعی و زنده عزم ایرانیان قدیم برای بقا و زندگی بخشیدن به مناطق خشک و بی‌آب است.

جغرافیای ایران شاهد چندین رودخانه است، اما تقریباً همه آن‌ها نسبتاً کوچک و کم‌عمق هستند که برای کشتیرانی مناسب نمی‌باشند. تنها رودخانه‌ای که در ایران امکان کشتیرانی در آن وجود دارد، رود کارون است که از شهر اهواز در جنوب غربی ایران می‌گذرد و به خلیج فارس می‌ریزد. اکثر رودخانه‌ها از کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد و در داخل آبگیرها فرو می‌ریزند. تقریباً یک سوم کل سرزمین ایران قابل کشت است و فقط ۱۰،۴ درصد آن تحت کشت و زرع می‌باشد. ۶ درصد دیگر از کل زمین‌های کشور برای چرای دام‌ها استفاده می‌شوند. مناطق جنگلی در دهه‌های اخیر کمی کاهش داشته و ۴،۳ درصد از کل کشور را به خود اختصاص می‌دهند.

معادن وسیع نفت و گاز طبیعی ایران به طور عمده در جنوب غربی استان خوزستان و در خلیج فارس قرار دارد. ایران یکی از بزرگترین ذخایر مس جهان را در اختیار دارد که معادن آن در سراسر کشور وجود دارند اما عمده‌ترین معادن مس در مرکز ایران بین شهرهای یزد و کرمان قرار گرفته‌اند. بیش از ۱۰،۰۰۰ نوع گیاه در ایران تاکنون شناسایی شده است. پوشش گیاهی طبیعی در بیشتر بخش‌های کشور برای کاشت محصولات زراعی یا خوراک دام مورد استفاده قرار گرفته و نابود شده‌اند. جنگل‌های طبیعی در البرز شامل درخت‌های مختلفی مانند راش، بلوط، درختان برگ‌ریز و مخروطیان است. در برخی مناطق با ارتفاع زیاد در کوه‌های زاگرس مناطق جنگلی وجود دارد که عمدتاً از درختان بلوط تشکیل شده‌اند. با بررسی جغرافیای ایران در می‌یابیم که درختان میوه وحشی هم در کوه‌های البرز و هم زاگرس رشد می‌کنند. این درختان شامل بادام، گلابی، انار و گردو می‌شوند. در بخش مرکزی ایران که هوا خشک‌تر است، پسته وحشی و دیگر درختان مقاوم در مناطقی رشد می‌کنند که فعالیت انسانی در آن‌جا وجود ندارد. درخت گز و دیگر بوته‌های نمک دوست در حاشیه‌های دشت کویر رشد می‌کنند. تنوع وسیعی از پستانداران، خزندگان، پرندگان و حشرات در ایران زندگی می‌کنند. بسیاری از انواع پستانداران از جمله گرگ، روباه، خرس، بز کوهی، گوسفند بزرگ شاخ، خرگوش و موش صحرائی در ایران به ازدیاد جمعیت خود ادامه می‌دهند. برخی از انواع پرندگان در ایران زندگی می‌کنند و تعداد زیادی از انواع آن‌ها پرندگان مهاجری هستند که بخشی از سال را در کشورهای دیگر می‌گذرانند.

جمعیت ایران در سال ۱۳۹۸ در حدود ۸۳،۰۰۰،۰۰۰ نفر تخمین زده شده است. این عدد نسبت به ۴۴ سال پیش از آن که معادل ۳۳،۳۷۹،۰۰۰ نفر بوده بیش از دو برابر شده است. بین سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۹۷، نرخ رشد جمعیت سالانه ایران بیش از ۳ درصد بوده است. در میانه اولین دهه پس از انقلاب در ایران و بعد از برنامه گسترده دولت در کنترل جمعیت، شروع به کاهش کرد. در سال ۱۳۷۹، نرخ رشد جمعیت ۰٫۷ درصد در سال کاهش یافت. در سال ۱۳۸۵، نرخ رشد جمعیت به ۱٫۳ درصد رسید و از سال ۱۳۹۴ به بعد نیز دولت در تلاش است تا مردم را به افزایش جمعیت ترغیب کند. در سال ۱۳۹۵، تقریباً ۷۴ درصد جمعیت ایران در مناطق شهری و بقیه در مناطق حومه شهر زندگی می‌کردند. این امر نشان‌دهنده مهاجرت عظیم به شهرها در سال‌های اخیر می‌باشد. جمعیت ایران از گروه‌های قومی متعددی تشکیل شده است. پارس‌ها (قوم فارس) ۶۰ درصد جمعیت، آذری‌ها ۲۵ درصد جمعیت، کردها ۵ درصد و لرها ۲ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. باقی جمعیت شامل اقلیت‌های عرب، ارمنی، آشوری، بلوچی و ... می‌شود. دین اکثر مردم کشور فارغ از قوم یا زبان آن، اسلام است.

ارتفاعات پست و بلند مختلف ایران دلیل عمده‌ای برای آب و هواهای مختلف ایران است. دشت ساحلی کاسپین در بخش شمالی ایران با ارتفاع متوسط هم سطح با دریا در تمام سال مرطوب است. دما در فصل زمستان به ندرت به زیر صفر می‌رسد و در تابستان به ندرت از ۲۹ درجه سانتی‌گراد عبور می‌کند. میانگین بارش سالانه در بخش شرقی این دشت (استان مازندران) ۶۵۰ میلی‌متر و در بخش غربی (استان گیلان) ۱۹۰۰ میلی‌متر است. در ارتفاعات بلند غرب، مناطق مسکونی در کوه‌های زاگرس دمای پایین‌تری را تجربه می‌کنند و میانگین دمای آن‌ها در روز در فصل

زمستان به پایین صفر می‌رسد. در این مناطق تابستان‌ها نیز هوا گرم است و میانگین دما در شمال غربی ۲۵ درجه سانتی‌گراد و در مرکز و جنوب زاگرس ۳۳ درجه سانتی‌گراد است. میانگین بارش سالانه از جمله بارش برف در ارتفاعات بیش از ۲۸۰ میلی‌متر است. نقشه‌های جغرافیای ایران در بخش منطقه فلات مرکزی نیز تغییرات منطقه‌ای را نشان می‌دهند. آبگیرهای خشک مرکز و شرق ایران معمولاً کمتر از ۲۰۰ میلی‌متر بارش در سال را تجربه می‌کنند. دشت‌های ساحلی جنوب ایران زمستان‌های ملایمی دارند و میانگین دمای استان خوزستان در ماه دی ماه بین ۷ تا ۱۸ درجه سانتی‌گراد است اما میانگین دما در بندرعباس در تنگه هرمز از این میزان بالاتر است. تابستان‌ها بسیار داغ و مرطوب است و دمای هوا در ماه تیر در داخل شهر به ۴۸ درجه سانتی‌گراد نیز می‌رسد. میانگین بارش سالانه در این منطقه بین ۱۴۵ تا ۳۵۵ میلی‌متر است.



شکل ۱. نقشه ایران

منبع: گیتاشناسی

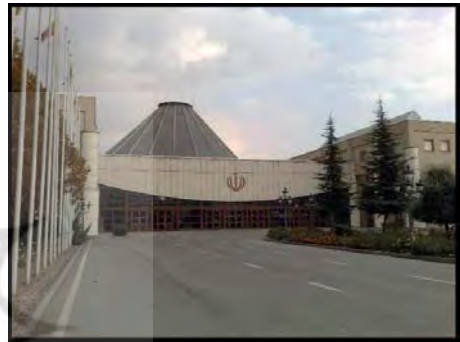
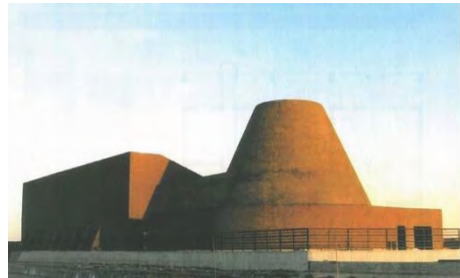
یافته‌های پژوهش

تحلیل برخی از آثار معماران معاصر

در این بخش آثار معماران ایرانی که متأثر از دیدگاه‌های معماری بعد از پیروزی انقلاب هستند مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرند و نگرش‌های انگیزشی آنان از حیث طراحی (با استناد به نوع و سبک معماری آنها) بررسی شده و در پایان استخراج مفاهیم و معانی مشترک که در اکثر آنها وجود داشته، بیان می‌گردد (جدول ۱).

جدول ۱. برداشت تحلیلی و نظری از آثار معماران معاصر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. (منبع: نگارندگان)

معرفی بنا	معمار	نگرش طراحی	نگرش مطرح
مجموعه ورزشی رفسنجان ۱۳۷۳	سید هادی میرمیران	این مجتمع همانند ترکیب فضایی یخچال‌های سنتی از یک بخش غیر شفاف یعنی گنبد مخروطی شکل و یک بخش شفاف شامل یک دیوار بلند و یک سقف شیشه‌ای مورب گسترده بر روی استخر تشکیل شده است. این دو جلوه خارجی متضاد، درون را به هم متصل و با هم یکپارچه می‌سازند.	استفاده از موتیف‌های معماری بومی در معماری مجتمع ورزشی رفسنجان، الگوبرداری از معماری یخچال‌های قدیمی منطقه‌ی کرمان
سالن اجلاس سران ۱۳۷۰	یحیی فیوضی	توجه به معماری سنتی معماری ایران مانند آب انبار و گنبد‌های پله‌ای اورچین - توجه به سادگی و شفافیت در فرم - توجه به هندسه مرکزگرای وحدت یافته ایرانی در فضای مرکزی لابی - دعوت‌کنندگی ورودی بنا و اختصاص عنصر استوانه به عنوان نقطه‌ی عطف مرکزی	توجه به موتیف‌های سنتی معماری
سفارت ایران در برلین ۱۳۸۱	داراب دینا	توجه به الگوی قوس معماری ایرانی در طرح، توجه به چشم‌انداز بیرون بنا از درون، حس وحدت، مرکزیت، اشتیاق به تعالی، فضای به یادآوری و خاطره، استعاره مجازی از جهانی گسترده، هندسه به عنوان نظام راهبردی، بیان انتزاعی از نیروهای ماوراءالطبیعه وجود، تلؤلؤ، انعکاسی مجازی و... مفهوم از افسانه‌ها و داستان‌ها برمی‌خیزد، ایوان، استعاره‌ای از مواحه، استقبال و دعوت فضای انتقال از ظاهر به باطن، عبور، آشکار و نهان	معماری ترکیبی - شفافیت و تداوم فضایی باغ ایرانی، فضای تأمل، عبادت و آرامش آب، چهار جوی روان،
مرکز فرهنگی دزفول	فرهاد احمدی ۱۳۶۶	استفاده از هندسه، متریال و مصالح بومی، توجه به حس سرزندگی مکان با پیروی از معماری قدیمی منطقه	استفاده از موتیف‌های معماری بومی دزفول در معماری مجتمع ورزشی دزفول



پردیس سینمای پارک ملت ۱۳۸۷



رضا دانشمیر

ساختمان و برقراری ارتباط ساختاری با محیط اطراف، ایجاد فضاهای متنوع، تصویر ذهنی ما را از ساختمان سینما به چالش می‌کشد- قرار دادن چشم‌انداز نوینی از فضا در برابر دیدگان -توجه به شفافیت فضایی در دید درون به بیرون

استفاده از منحنی‌ها و قوس‌های آرامش‌بخش منعکس‌کننده هویت معماری ایرانی

طرح نمای مجتمع آفتاب تهران ۱۳۹۱



کوروش حاجی‌زاده

روش آفرینش فرم قیاسی و استعاری می‌باشد- توجه به هندسه و بافت اطراف و انعکاس آن در بنا

توجه به موتیف‌های معماری بومی در قالب مفهومی

خانه شریفی ۱۳۹۲



علیرضا تغابنی

ایده معمار در طراحی برگرفته از اقلیم منطقه‌ی شمال شهر تهران که در تابستان دارای اقلیم معتدل و در زمستان دارای اقلیم سرد نیز می‌باشد شکل گرفته- توجه به سادگی در اثر و توجه به حالات انسانی تا تزئینات نما- استفاده از دید بیرون جذابیت‌های بخش چرخش، در چالش برونگرایی

ایده در قالب معماری مدرن بوده و معماری سنتی در نگرش عملکرد و کاربرد اقلیمی

کتابخانه ملی ایران ۱۳۷۴



سیدرضا هاشمی، محمد بهشتی، هادی ندیمی، مهدی چمران، سراج الدین کازرونی، باقر شیرازی، محمد حسن مؤمنی

توجه به راهروهای ارتباطی و حیاط‌های مرکزی- توجه به تراس‌های رو به فضای حیاط- احیاء الگوهای تاریخی

ترکیبی از نظم و آزادی در نور و هوای این سرزمین- استفاده از متریاک آجر به عنوان مصالح بومی-

نگرش مطرح

نگرش طراحی

معمار

معرفی بنا

دانشگاه مفید قم در سال ۶۷



مهندس کامروا- مهندس حجت

توجه به معماری درونگرایی ایرانی- خرد شدن هندسه باغ ایرانی در طرح

توجه به شرایط اقلیمی گرم و خشک قم و الگوی سایه‌اندازی حیاط

همانطور که در ادبیات نظری تحقیق بیان شد معماری و فرهنگ دو مقوله جدا نشدنی از یکدیگر در معماری با نگرش تاریخی فرهنگی می‌باشند. در آثار معماران بعد از انقلاب هم زمینه‌های اغتشاش هویتی دیده می‌شود و هم نگاه‌های توجه به تاریخ، بوم‌گرایی و هویت. بعد از انقلاب اسلامی افکار معماری با زمینه‌های بومی رشد بیشتری یافت.

تحلیل آثار معماری از دهه‌های مختلف (جدول ۲) در دوره معاصر بیانگر یک ژرف‌اندیشی و تحول در غرب‌زدایی می‌باشد که به نوعی عنوان‌کننده ظهور معماری منطبق بر فرهنگ و هویت اصیل ایرانی است که دنبال یک پیشینه غنی است. به قول کامل‌نیا، معماری دروغ نمی‌گوید و انعکاس آرزوهای جامعه و صاحبان خود است (کامل‌نیا، ۱۳۸۴: ۴۸). طرح‌های اجرا شده در سال‌های مختلف بعد از انقلاب رویکردهای نزدیک در نگرش‌ها و ایده‌ها داشته و بیشتر بر هویت معماری ایرانی اشاره داشته و تعداد اندکی از آنها زمینه متفاوت از این قضیه داشته‌اند و این نتیجه یک اتفاق مهم در دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متخصصین حوزه معماری در تغییر نگرش دهه قبل از انقلاب و ارتقاء معماری ایرانی از بعد هویتی را دارد.

جدول ۲. نگرش‌های مطرح در معماری طرح‌های معاصر بعد از انقلاب (منبع: نگارندگان)

نام اثر/نگرش	تعامل	اصالت	نوآوری
کتابخانه ملی ایران	توجه به ترکیب احجام سنتی در قالب مدرن	توجه به اندیشه معماری بومی	هویت طلبی-مدرن
مجموعه ورزشی رفسنجان	استفاده آشکار کاربردی از موتیف‌های معماری سنتی	استفاده از موتیف‌های معماری سنتی-ترکیب	هویت طلبی-ترکیب سنتی
سالن اجلاس سران	ترکیب آرکی تایپ‌های سنتی با مدرن	استفاده از موتیف‌های معماری سنتی	ترکیب مدرن
خانه شریفی‌ها			ترکیب مدرن
طرح نمای مجتمع آفتاب تهران	توجه به معماری سنتی با روش استعاری	توجه به پیکانه‌های معماری سنتی	هویت طلبی-ترکیب مدرن
دانشگاه مفید قم	الگوهای سنتی عاملت تعامل	توجه به اصول معماری سنتی	هویت طلبی-ترکیب مدرن
پردیس سینمای پارک ملت	شفافیت عامل تعامل	توجه به مفاهیم معماری ایرانی	هویت طلبی-ترکیب مدرن
مرکز فرهنگی دزفول	نگرش تعامل با زمینه و تاریخ معماری ایرانی	توجه به عاملیت ترکیب و موتیف‌های معماری ایرانی	هویت طلبی-ترکیب سنتی
سفارت ایران در برلین	نگرش استعاری و مفهومی به معماری و تاریخ ایران	معماری استعاری ای و مفهومی	هویت طلبی-ترکیب مدرن

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

کار معماران بعد از انقلاب اسلامی ایران، طیف وسیعی از گرایش‌ها و جنبش‌های هنری را شامل می‌شود و سعی در سوق دادن معماری ایران به سوی هویتی آزاد دارد. گرایش اصلی معماران ایرانی در دو دهه بعد از انقلاب، معماری در راستای میراث فرهنگی و معماری سنتی ایرانی بوده‌است و حداقل در ساختمان‌هایی که زیر نظر دولت به اجرا می‌رسیدند، گرایش دیگری نمی‌توان یافت. این معماران تحت تأثیر جنبش پست مدرنیسم کلاسیسیم در صدد برآمدند که به معماری معاصر ایران، چهره‌ای ایرانی ببخشند. در این مدت، سبکی که از طرف دولت حمایت شده، نیز گرایش به معماری ایرانی-اسلامی بوده‌است. این گرایش عمدتاً در ساختمان‌های مهم دولتی که پشتوانه آن‌ها از طرف ارگان‌های دولتی تأمین می‌گردد، نمود یافته‌است.

عمده دغدغه معماران پس از انقلاب، آشتی دادن سنت با مباحث و تحولات معماری مدرن بوده‌است که این خصوصیت بیشتر در کارها و اندیشه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه تهران دیده می‌شود. این نقش به خاطر حمایت‌های چندوجهی سران و دولتمردان نظام جمهوری اسلامی، پررنگ‌تر از معماران پیشگام در این زمینه است.

معماران جوان ایران، در زمینه‌های دیگری فعالیت می‌کنند. از جمله خصوصیات معماری آنان گرایش به کامپیوتر و رسانه است. این معماران همسو با جریانات معماری غرب دغدغه‌ای جز فرار از سیطره معماری مدرن ندارند. اجتناب این نسل از معماری مدرن برخلاف اسلافشان به معنای علاقه آنان به آشتی دادن این شکل از معماری با معماری سنتی ایران نیست و از این رو می‌توان آنان را نئو مدرن دانست.

کافی است نگاهی به اطراف بکنیم تا ببینیم که خط غالب در معماری، خط مستقیم است. معماری معاصر می‌خواهد با استفاده بیشتر خطوط منحنی به جای خط مستقیم خود را از این عادت دور کند. در برخی موارد، ساختمان کاملاً حول خطوط منحنی طراحی شده است. در سایر موارد، هم خطوط منحنی و هم مستقیم در همان ساختمان به کار رفته است.

استفاده از خطوط منحنی بر خلاف خطوط مستقیم، فضاهایی ایجاد می‌کند که صرفاً مکعبی شکل نیستند. بنابراین، در معماری معاصر فرد ساختمان را به اشکال گرد می‌بیند. معماری معاصر اگر هم از خطوط مستقیم استفاده کند، یعنی اگر واحد حجم را مکعب بگیرد، این مکعب‌ها را به روش‌های شگفت‌انگیزی گردهم می‌آورد تا ترکیب متمایزی از احجام خلق شود. این ترکیب نیز همانند اشکال گرد، ایجاد فضاهای نشیمن داخلی با طرح‌بندی‌های غیرعادی را ممکن می‌کند.

با پیروی از متون تحقیق و مبانی نظری زمینه‌گرایی فرهنگی نوعی نگرش ارزشی فرهنگی در انعکاس بناهای مدرن می‌باشد که بعد از انقلاب رشد بیشتری از آنها در آثار معماران مطرح ایرانی مشاهده می‌شود. به نقل از بحرینی، زمینه‌گرایی انسانی (اجتماعی-فرهنگی) متعهد بودن به معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک است (بحرینی، ۱۳۸۸). بیشتر توجه زمینه‌گرایی فرهنگی توجه به جنبه معنایی به جای قواعد شکلی هست زیرا که به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنی که داشته، درک شده است (نوربرگ شولتز، ۱۹۸۰).

عناصر کالبدی در محیط معانی متفاوت دارند و این معانی به طور نظام یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده‌اند (هاتفی و فرحی نیا، ۱۳۹۳). اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. فضا به لحاظ کالبدی زمینی خالی، اما دارای محدوده و هدف است که اشیاء را به هم پیوند می‌دهد. وقتی فضا محتوای فرهنگی می‌یابد، "مکان" نامیده می‌شود. ویژگی مکان هم اشیایی را که دارای شکل، بافت و رنگ است در بر می‌گیرد و هم روابط فرهنگی را که بر اثر مرور زمان ایجاد می‌شود (سجادزاده و مهدوی، ۱۳۹۳). مکان با توجه به ذهنیت انسانی در قالب یک فرهنگ مشخص شکل می‌گیرد و بناها نیز می‌توانند گویای این فرهنگ‌ها باشند. در آثار معماری بعد انقلاب بیشتر زون‌ها بر روی فرم‌های منبع از الگوهای بومی و بومی‌مداری بوده و شاکله هویتی در بعد کالبدی تاثیرگذار بوده است.

آنچه از یافته‌های تحقیق برآیند شد این است که؛ با وقوع انقلاب اسلامی، معماری معاصر ایران با نقطه عطفی از بروز جنبه‌های هویتی و فرهنگی و بازبینی نگرش‌های انسان‌گرایانه مواجه شده است. بررسی رویکردها و

گرایش‌های معماری معاصر و بر طبق نتایج به دست آمده از مؤلفه‌های یاد شده می‌توان ویژگی‌های مشترک و قابل اتکایی را از تفکرات و محصول معماری معاصر ایران برشمرد.

• در آثار برخی معماران گرایش به احیای بدون تغییر معماری سنتی و عناصر آن در فضای معماری امروزی قابل مشاهده است.

• عمدتاً در اغلب آثار معماری نگرش‌های مثبت مدرنیته در قالب ایده‌های مشابه و همگامی با معماری روز دنیا و توجه به ویژگی فرهنگی، محیطی و بومی ایران قابل مشاهده است.

با پیروی از متون تحقیق نتایج تحقیق در قالب یک نمودار بیان شده است (نمودار ۱) که نشان‌دهنده این موضوع است که معماری بعد از انقلاب یک معماری فرهنگی و در بیشتر موارد سعی در دوری از غرب‌گرایی بوده و این موضوع حداقل در طرح‌های موفق نمود داشته است و توجه به پیشینه غنی معماری بومی به عنوان یک فرآیند گذشته مابانه و هویتی مطرح بوده است. در جواب به فرض تحقیق اینگونه می‌توان بیان کرد که؛ با پیروی از هویت‌گرایی بحث تعامل و اصالت در قالب انسان و ابعاد فرهنگی او در معماری بعد از انقلاب بیشتر ظهور می‌کند و غرب‌گرایی به عنوان یک فرهنگ بیگانه مغلوب شده است و بیشتر آثار مطرح دارای یک ذهنیت فرهنگی و متناسب با بستر خود هستند.



نمودار ۱. فرآیند معماری معاصر بعد انقلاب

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۰

منابع

احسان رسولی، ایرج اعتصام، مهرداد متین (۱۴۰۰)، تأثیر سبک‌ها، پارادایم‌های حاکم بر جامعه بر شکل‌گیری فرم در معماری (دوره معاصر ایران)، در حال انتشار

بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۸، تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، چاپ دوم، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران.

برولین، برنت سی، ۱۳۸۳، معماری زمینه‌گرا (سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم)، ترجمه رضیه رضازاده، اصفهان، نشر خاک.

برولین، برنت سی، ۱۳۸۳، معماری زمینه‌گرا (سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم)، ترجمه رضیه رضازاده، اصفهان، نشر خاک.

جواهریان، فریار، ۱۳۸۷، نماد دو پهلو/برج شهید/میدان آزادی، ترجمه آزیتا ایزدی، مجله معمار، شماره ۵۱، صص ۳۲-۴۰.

حسینی تازه‌آبادی، سیده معصومه، مهدی اخترکاو، سپیده سورتیجی و راضیه باقری‌زاده، ۱۳۹۳، بررسی مفاهیم معماری زمینه‌گرا و رابطه آن با معماری پایدار با رویکرد اقلیمی، کنفرانس بین‌المللی روش‌های نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گرا، تبریز، دپارتمان معماری و شهرسازی انیستیتو مقاوم‌سازی لرزه‌ای ایران.

رازی، محمد، علی بهنام والا و هادی محمودی‌نژاد، ۱۳۹۶، بررسی نقش معماری زمینه‌گرا در طراحی موزه با توجه به قابلیت‌های محیطی، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران، دانشگاه اسوه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی. شاه تیموری، یلدا، مظاهریان، حامد، ۱۳۹۱، رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۴.

علی توبچی ثانی، محمود محمدی، سعید خزایی (۱۳۹۸)، به سوی برنامه ریزی در عصر جدید؛ مطالعه تطبیقی برنامه ریزی شهری و منطقه ای با آینده پژوهی، دوره ۹، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳۵، صفحه 665-683

علیرضا عظیمی حسن آبادی، سعید تیزقلم زنوزی، محسن کاملی (۱۳۹۹)، تبیین راهبردهای جدید رسانه‌ای در معرفی معماری بومی مناطق جغرافیایی-اقلیمی ایران بر اساس مدل تحلیل محتوای نشریات تخصصی، دوره ۱۰، شماره پیاپی ۳۹، صفحه ۸۰۵-۸۱۹ قهرمانی، ندا، بهزاد وثیق و سجاد دامیار، ۱۳۹۴، زمینه‌گرایی فرهنگی، راهکاری برای دستیابی به الگوهای هویت‌بخش در طراحی داخلی (نمونه موردی: معماری بومی کرمانشاه)، کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی.

کامل‌نیا، حامد، ۱۳۸۴، هویت‌زدایی در معماری، مجله آبادی، شماره ۴۸.

گل‌محمدی، احمد، ۱۳۸۱، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، انتشارات نی.

مرتضی نیک فطرت کردمجله، حسین ذبیحی، آزاده شاهچراغی (۱۳۹۸)، روایت مکان در آثار معماران معاصر از منظر ادبیات تطبیقی فلسفه و معماری با رویکرد پدیدارشناسی (نمونه موردی: موزه هنرهای معاصر تهران)، دوره ۱۰، شماره پیاپی ۳۷، صفحه ۸۱۳-۸۳۴ مهدوی‌نژاد، محمدجواد، خبری، محمدعلی و عسگری مقدم، رضا، ۱۳۸۹، تجدید حیات‌گرایی و معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجله شهر ایرانی اسلامی.

نقوی، پویان، کیانی، مصطفی، ۱۳۹۷، تبیین رابطه معماری بومی و زمینه‌گرایی، فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، سال نهم، شماره ۱۸.

هاتفی، بهزاد، فرحی‌نیا، امیرحسین، ۱۳۹۳، بررسی الحاقات جدید به ساختمان قدیمی‌تر، از دیدگاه تطابق با زمینه، اولین کنفرانس بین‌المللی روش‌های پیشرفته ساخت در معماری زمینه‌گرا، تبریز، ایران.

هاشمی، سیدرضا، ۱۳۸۸، بانی، مسعود، معماری معاصر ایران، (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)، نشر هنر معماری قرن.

Mahdavinejad, MJ. 2006, Stylistic trends of contemporary, Abadi, 52.

NSW Heritage Office and the Royal Australian Institute of Architects, 2005, 15.

Pourjafar, M.& Mahmoodinejad, H., 2012, Essay on Iran Architecture Division, Abadi, 2.

Rapoport, A., 1977, Human Aspects of Urban form. New York: Pergamon press.

Waterhouse, Alan, 1993, Boundaries of the City: The Architecture of western Urbanism. Toronto: University of Toronto Press.